

چنین نکند دیگر جامعه به این مجرا نیازی نمی‌بیند تا به رسمیت شناخته شود. جامعه از هر امری که تا پیش از این برایش یک تهدید محسوب می‌شد دیگر نمی‌ترسد، موانع را زیر پا می‌گذارد و با قوهٔ خلاقانهٔ جمعی راه‌حل‌های جدیدی پیدا می‌کند.  
با توجه به این پنج مقدمه باید به سراغ الگویی برای طراحی قانونی جهت اقامهٔ حق اعتراض برویم.

**آقای دکتر کرمی، در بحث از الزامات حقوقی اجرای اصل ۲۷ مسئلهٔ صدور مجوز، مسئلهٔ مهم و مناقشه‌انگیزی است. شما در باب شرط صدور مجوز چه نظری دارید؟**

حامد کرمی: احزاب و تشکل‌هایی که در چهارچوب قانون جمهوری اسلامی مجوز می‌گیرند همه‌جوره پالایش شده‌اند. به نظر اینکه از آن‌ها خواسته شود که برای تجمع هم مجوز بگیرند دیگر غیرضروری است، برای تجمع تشکل‌های غیرحزبی نیز مجوزمحموری ضروری نیست.

**اگر افراد یک محلهٔ حاشیه‌نشین یا اعضای یک صنف بدون انجمن یا نمونه‌هایی از این دست که اعتراض یا خواسته‌ای دارند و بخواهند تجمع برگزار کنند اما هیچ تشکلی نداشته باشند، تکلیفشان چیست؟**

حامد کرمی: در کشورهای پیشرو اصل بر توأمانی حق اجتماعات و حق تشکل است. این جوامع اصلاً جامعه‌های متشکلی اند؛ یعنی عموم شهروندان بالاخره در یک سمن یا سندیکا یا حزبی عضوند. مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی و سیاسی آرمانی دست‌نیافته نیست که بخواهند به آن برسند، بلکه هم‌اکنون

